



Social Capital and Social Welfare (Meta-Synthesis of Studies in the Field of Social Capital and Social Welfare for the Period 2012- 2023)

Jafar Hezarjaribi¹ | Zahra Darvishi²

1. Department of Cooperation and Social Welfare, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: hezarjaribi@atu.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Cooperation and Social Welfare, Faculty of Social Sciences of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: zdarvishi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 01 February 2024
Received in revised form:
30 June 2024
Accepted: 29 July 2024
Published online:
15 September 2024

Keywords:

Iran, meta- synthesis, objective welfare, social capital, social welfare, subjective welfare

ABSTRACT

One of the factors that affect social welfare in societies is social capital. The objective of this research is to integrate the research on social capital and social welfare in order to more effectively utilize the knowledge that has been accumulated in these fields.

Utilizing Meta-synthesis methodology, this article evaluates articles concerning social capital and welfare from 2012 to 2023. This article reviewed 16 scientific and research articles in the fields of social welfare and social capital.

The results indicated that the economic dimension and objective indicators of well-being have been the primary focus of studies on well-being, with little attention paid to the mental dimension. Also, the findings indicate that the more a person is intertwined with his traditional and ethnic culture in terms of identity and culture, the more mental well-being he will enjoy. On the other hand, the reduction of social capital may lead to the reduction of economic and social productivity, increase of tensions and social anomalies. Additionally, economic capital is adversely affected by the degradation of social capital. These effects include: 1. Reduction of cooperation and trust: 2. Increase of transaction costs: 3. Reduction of innovation.

Consequently, the social capital of ethnic groups in Iran is a multifaceted and intricate phenomenon that manifests in a variety of ways as a result of the cultural, historical, and social diversity of the country. Consequently, government policies and programs must establish harmony among all groups in order to foster a sense of intergroup solidarity. Along with intra-group solidarity, the welfare of the society is also improved.

Cite this article: Hezar jaribi, J. Darvishi, Z. (2024). Social Capital and Social Welfare (Meta-Synthesis of Studies in the Field of Social Capital and Social Welfare for the Period 2012- 2023). *Community Development (Rural and Urban)*, 16(1):89-106. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372033.668841>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372033.668841>

سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی

(فرا ترکیب مطالعات حوزه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۱)

جعفر هزارجریبی^۱ | زهرا درویشی^۲

۱. گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: hezarjaribi@atu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: zdarvishi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از عواملی که بر رفاه اجتماعی در جوامع تأثیر دارد، سرمایه اجتماعی است. هدف این پژوهش، فراترکیب پژوهش‌های حوزه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی به منظور استفاده بهتر از دانشی است که پژوهش‌های این حوزه فراهم آورده‌اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲	در مقاله حاضر با استفاده از تکنیک فراترکیب، مقالات حوزه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۱ بررسی شدند. در مطالعه پیش‌رو، ۱۶ مقاله علمی-پژوهشی حوزه رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی بررسی شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۱۰	یافته‌ها نشان داد مطالعات در بحث رفاه، بیشتر بر بعد اقتصادی و شاخص‌های عینی رفاه تأکید کرده‌اند و تأکید اندکی بر بعد ذهنی رفاه داشته‌اند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که هرچه فرد از لحاظ هویتی و فرهنگی، درهم‌تنیدگی بیشتری با فرهنگ سنتی و قومی خود داشته باشد، از رفاه ذهنی بیشتری برخوردار می‌شود. در مقابل، کاهش سرمایه اجتماعی به کاهش بهره‌وری اقتصادی و اجتماعی، و افزایش تنش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی منجر می‌شود. همچنین فرسایش سرمایه اجتماعی تأثیراتی منفی بر سرمایه اقتصادی دارد. این اثرات عبارت‌اند از: ۱. کاهش همکاری و اعتماد؛ ۲. افزایش هزینه‌های تراکنشی؛ ۳. کاهش نوآوری. بنابراین فرسایش سرمایه اجتماعی به کاهش عملکرد و افزایش مشکلات اجتماعی در جامعه منجر می‌شود.
کلیدواژه‌ها: ایران، رفاه اجتماعی، رفاه ذهنی، رفاه عینی، سرمایه اجتماعی، فراترکیب.	نتایج نشان می‌دهد از آنجا که سرمایه اجتماعی در گروه‌های قومی در ایران، پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که با توجه به تنوع فرهنگی، تاریخی و اجتماعی کشور به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود، سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی باید بین تمام گروه‌ها هماهنگی ایجاد کند تا حس همبستگی بین گروهی در کنار همبستگی درون گروهی افزایش پیدا کند و به تبع آن رفاه جامعه ارتقا یابد.

استناد: هزارجریبی، جعفر و درویشی، زهرا (۱۴۰۳). سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی (فرا ترکیب مطالعات حوزه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۱). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۶(۱): ۸۹-۱۰۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372033.668841>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372033.668841>

۱. مقدمه و بیان مسئله

رفاه اجتماعی در هر جامعه‌ای از نیازهای اساسی افراد است که تمام افراد باید از آن بهره‌مند شوند (حق‌جو، ۱۳۸۱)؛ به گونه‌ای که امروزه بسیاری از دولت‌ها دلیل موفقیت برنامه‌های خود را بهبود زندگی و افزایش رفاه افراد جامعه می‌دانند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۱). به این ترتیب رفاه اجتماعی عبارت است از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد (زاهدی اصل، ۱۳۹۰: ۱۴). از نظر پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه که با مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده از آشنایی و شناخت متقابل و دوجانبه پیوند یافته است. به عبارت دیگر عضویت در یک گروه، هریک از اعضایش را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌سازد (بوردیو، ۱۹۸۶). سرمایه اجتماعی به دو نوع درون‌گروهی و برون‌گروهی تقسیم می‌شود. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با پیوستگی‌های قومی مانند پیوستگی میان اعضای خانواده یا میان اعضای یک گروه قومی شناخته می‌شود. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با پیوندهای ضعیف و کم‌عمق‌تر شناخته می‌شود، مانند همکاری‌های تجاری، دولتی یا گروه‌های قومی مختلف که پیوندهای بین‌گروهی را موجب می‌شود (ولکاک، ۲۰۰۳).

ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی تا جایی است که می‌توان گفت با افزایش سرمایه اجتماعی می‌توان شرایطی را فراهم ساخت که به سطح بالایی از رفاه اجتماعی در جامعه دست یابیم. زمانی که میان افراد یک جامعه اعتماد و مشارکت وجود داشته باشند، احساس رضایت می‌کنند و کیفیت زندگی و احساس رفاه آن‌ها افزایش می‌یابد.

یکی از چالش‌های امروز جامعه ایران، بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی است که می‌تواند روند برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها را با مشکل مواجه سازد (اعظمی و هدایتی‌نیا، ۱۳۹۷)؛ بنابراین شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب ظرفیت‌های متنوع سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح همکاری و مشارکت اعضا در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود (دانش‌مهر و هدایت، ۱۳۹۷) و در نهایت می‌تواند رفاه اجتماعی اعم از ذهنی و عینی را افزایش دهد.

میزان رفاه براساس رتبه‌بندی سالیانه مؤسسه پژوهشی لگاتوم ایران در مقیاس جهانی (در میان ۱۶۷) از نظر شاخص سرمایه اجتماعی به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۸ در رتبه ۱۲۰، سال ۲۰۱۹ در رتبه ۱۰۹، سال ۲۰۲۰ در رتبه ۱۲۸، سال ۲۰۲۱ در رتبه ۱۲۹، سال ۲۰۲۲ در رتبه ۱۲۵، سال ۲۰۲۳ در رتبه ۱۲۲ و سال ۲۰۲۳ در رتبه ۱۲۲ جهان قرار گرفته است. این امر نشان از وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی ایران در سطح جهان دارد (وبسایت شاخص رفاه لگاتوم). در ایران نیز پیمایش‌هایی با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سه موج، موج اول در سال ۱۳۷۹، موج دوم در سال ۱۳۸۲ و موج سوم در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد اعتماد که یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، در وضعیت نامناسبی قرار دارد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲، ۱۳۹۵).

یکی از روش‌های بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های حوزه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، روش فراترکیب است که تجزیه و تحلیل و ارائه یافته‌هایی جدید از پژوهش‌های این حوزه، به شناخت بهتر و بیشتر از این مفهوم کمک می‌کند. پژوهش حاضر قصد دارد با مطالعه پژوهش‌های پیشین نقش سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش این است که پژوهش‌های علمی سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در ایران به چه مسائلی پرداخته‌اند؟ چگونه به این مسائل پرداخته‌اند؟ چه نتایجی به دست آورده‌اند؟ آیا می‌توان در ایران بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی ارتباط برقرار کرد؟ در پژوهش حاضر، ضمن دسته‌بندی و ترکیب یافته‌های این پژوهش‌ها تلاش شده است تا فهمی کلی از این یافته‌ها با هدف بهره‌برداری مناسب‌تر از آن‌ها جهت روشن‌شدن راه آینده حاصل شود.

۲. پیشینه خارجی

سوامی، گروتارت و تایک اوه (۱۹۹۹) پژوهشی درباره رابطه بین سرمایه اجتماعی و فقر و ارتباط آن با رفاه خانوادگی در بورکینافاسو انجام دادند. یافته‌ها نشان داد در انجمن‌های محلی سرمایه اجتماعی زیادی وجود دارد که بر رفاه خانواده‌ها تأثیر مثبتی دارد. جنینگز و سانچر (۲۰۱۷) در مطالعه «سرمایه اجتماعی، تعارض و رفاه» به این نتیجه رسیدند که تعاملات خصمانه بین گروهی می‌تواند به حل معضلات اجتماعی درون گروهی کمک کند. همچنین تهدید بیرونی می‌تواند سرمایه اجتماعی بیشتری را به وجود آورد. جمیرا و واهیونی (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه در اندونزی» دریافتند که سرمایه اجتماعی با سه شاخص اعتماد، تعاون و شبکه اجتماعی (مشارکت فرد در فعالیت‌های اجتماعی) سنجیده می‌شود. رفاه با هزینه‌های خانوار برای مواد غذایی و غیرخوراکی سنجش می‌شود. این مطالعه نشان داد سرمایه اجتماعی تأثیر بسزایی بر رفاه دارد. کلی و جا (۲۰۲۳) در پژوهش «بازگشت به روابط: سرمایه اجتماعی و رفاه خانوار در هند» تأثیر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی را بر رفاه خانوار بررسی کردند. مطابق نتایج، عضویت در سازمان‌های محلی و ارتباطات شبکه‌های اجتماعی با اعضای تأثیرگذار جامعه، بر وضعیت اقتصادی و رفاه خانوار تأثیر مثبت دارد. به این صورت که هرچه افراد بیشتر عضو شبکه‌های اجتماعی باشند، هزینه‌های مصرفی آن‌ها کاهش می‌یابد؛ بنابراین سرمایه اجتماعی، کاتالیزوری برای افزایش رفاه خانوار در ابعاد چندگانه است.

۳. چارچوب مفهومی

سرمایه اجتماعی از موضوع‌هایی است که در سال‌های اخیر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و نقش مهمی در رفاه و توسعه جوامع دارد. کلمن سرمایه اجتماعی را از طریق کارکردش تعریف می‌کند. از دیدگاه او، سرمایه اجتماعی موجودیت واحدی نیست، بلکه از موجودیت‌های متعددی تشکیل شده است که دو ویژگی مشترک دارند: نخست همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساختار اجتماعی هستند؛ دوم کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۹۸۸: ۹۸). پاتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود: برون گروهی و درون گروهی. سرمایه اجتماعی برون گروهی، گروه‌های مختلف را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون گروهی، هویت‌های قومی را تقویت می‌کند و موجب حفظ همگنی می‌شود (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۶). فرانسیس فوکویاما درباره سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی را به دو بخش تقسیم می‌کند: ۱. هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی که به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می‌شود و اساساً شامل سجایایی مثل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه است؛ ۲. هنجارهای غیرمولد که برخلاف هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی کمکی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه نخواهد کرد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲).

رویکردها و نظریه‌های مربوط به رفاه، مطابق تقسیم‌بندی عام در جامعه‌شناسی، بیشتر به دو نوع نگرش «جمع‌گرایانه» و «فردگرایانه» قابل تقسیم است. طرفداران رویکرد فردگرایانه بر این باورند که «پیشرفت‌های رفاهی فقط تابع نظام بازار بوده و از طریق مکانیسم تولید محصولات و کالاهای مورد استفاده عمومی که مدنظر افراد است، امکان‌پذیر می‌گردد. طرفداران رویکرد جمع‌گرا معتقدند یک رشته ارزش‌های اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقا یابد. از این دیدگاه، پدیده‌های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می‌شوند و در آن ابزارآلات رفاهی براساس عملکرد مربوط به بالابردن میزان کالاهای مادی بررسی می‌شوند» (فیتز پتریک، ۱۳۸۳: ۱۵).

درباره سرمایه اجتماعی و رابطه آن با رفاه اجتماعی چهار رویکرد وجود دارد: ۱. رویکرد اجتماع‌گرایی: در این رویکرد سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی مانند باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌ها یکسان دانسته می‌شود، اما این نگرانی وجود دارد که تقویت سرمایه اجتماعی در سطح خرد سبب کاهش آن در ارتباط با دیگر گروه‌ها شود. چه‌بسا این کاهش در روابط بین گروه‌ها موجب کاهش روابط آن‌ها با دیگر گروه‌ها شود که ضررهایی این عضویت‌ها بیشتر از منافع آن باشد (برامکی یزدی، ۱۳۸۷)؛ ۲. رویکرد شبکه‌ای: در این دیدگاه شبکه به‌عنوان یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد تعریف می‌شود. درواقع شبکه متشکل از گروهی از افراد است که دارای هنجارها یا ارزش‌هایی فراتر از ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای دادوستدهای متداول بازارند. در این رویکرد هم به جنبه مثبت و هم جنبه منفی سرمایه اجتماعی توجه می‌شود. هردو سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی دارای اهمیت هستند و جمع این دو را سرمایه اجتماعی می‌دانند (برامکی یزدی، ۱۳۸۷)؛ ۳. رویکرد نهادی: رویکرد نهادی بر نقش نهادها و سازمان‌ها در توسعه و حفظ سرمایه اجتماعی تمرکز دارد. شاخص‌های مختلف کیفیت نهادی که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری و گروه‌های حقوق بشر تدوین شده نشان می‌دهد مواردی مانند اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های معنوی و کیفیت دیوان‌سالاری با رشد اقتصادی همبستگی دارد (اوفه، ۲۰۰۲: ۵۵۱-۵۵۳)؛ ۴. رویکرد همیاری: در این رویکرد، ترکیب حکمرانی و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی یا در یک گروه یا جامعه محلی مورد توجه قرار می‌گیرد. در جوامعی که از حاکمیت خوب و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی بهره‌مند هستند، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و در جامعه موفقیت‌های اقتصادی و نظم اجتماعی به‌وجود می‌آید. اما اگر سرمایه اجتماعی فقط در یک گروه باشد، گروه‌ها با یکدیگر ارتباطی ندارند و همیاری و همکاری بین آن‌ها وجود ندارد. گروه‌های قدرتمند، گروه‌های دیگر را به حاشیه می‌رانند و گروه‌های محروم نمی‌توانند به حق خود برسند (فیلد، ۲۰۰۳).

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و از روش کیفی و تکنیک فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی با هدف یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به‌منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است؛ بنابراین در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی قابلیت اعتبار داده‌ها از روش هفت‌مرحله‌ای ساندولوسکی و بارسو (۲۰۰۷) استفاده شده است.

گام نخست، طرح سؤالات پژوهش: در این مرحله مشخص شد تمرکز اصلی بر چه چیزی است. در پژوهش حاضر به دنبال مطالعه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در بازه زمانی مشخص شده و تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی بودیم. جامعه مورد مطالعه، پژوهش‌های چاپ‌شده در نشریات معتبر علمی-پژوهشی بودند. مقالات منتشرشده در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۱ بررسی شدند.

گام دوم، جست‌وجوی نظام‌مند منابع: زمینه و ادبیات موضوع مطالعه شد. برای انجام این کار، با مراجعه به پایگاه‌های معتبر علمی نظیر پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پورتال جامع علوم انسانی، مگیران و فصلنامه‌های معتبر علمی-پژوهشی، کلیدواژه‌های سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، رفاه ذهنی، رفاه عینی، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، ابعاد سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی در ایران، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و سایر مفاهیم مربوط به سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی بررسی و گردآوری شدند.

گام سوم، انتخاب منابع مناسب: براساس کلیدواژه‌های انتخابی در گام دوم و جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، ابتدا ۵۶ مقاله در بازه زمانی مدنظر معین شدند. سپس براساس معیارهایی مانند محل چاپ (نشریات معتبر علمی-پژوهشی)، موضوع (ارتباط سرمایه

اجتماعی و رفاه اجتماعی)، حیطه کلی تحقیق (پژوهش‌های انجام‌شده در ایران) و محدوده زمانی پژوهش (بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱) ۱۶ اثر انتخاب شدند (جدول ۱).

جدول ۱. فهرست و مشخصات مقالات انتخاب‌شده

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده	شاخص‌های رفاه	یافته‌ها	نتیجه‌گیری
۱	بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر روستایی (مطالعه موردی: درودزن)	عبدالرسول شیروانیان، بهاء‌الدین نجفی	عینی	سرمایه اجتماعی موجود نقش بسیار کم‌رنگی در کاهش فقر دارد. همچنین از ایفای نقش مؤثر در بهبود رفاه این خانوارها ناتوان است.	بازنگری در ساختار سرمایه اجتماعی به گونه‌ای که اثربخشی تشکلهای محلی در کاهش فقر و بهبود رفاه خانوارهای روستایی را تضمین کند، ضروری به نظر می‌رسد.
۲	رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)	جعفر هزارجریبی، رضا صفری شالی	ذهنی، عینی (احساس رضایت، احساس امنیت، رفاه فردی)	اعتماد به کارایی مسئولان، دینداری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد، احساس عدالت اجتماعی دارای تأثیر مثبت (مستقیم) بر میزان رفاه اجتماعی در بین افراد دارد و احساس بیگانگی اجتماعی و تقدیرگرایی دارای تأثیر کاهنده بر میزان رفاه اجتماعی است.	با توجه به وضعیت جامعه که در حال گذار هستیم، هر کدام از شاخص‌ها می‌تواند تأثیر فزاینده‌ای بر به هم ریختن انسجام و یکپارچگی داشته باشد و در نتیجه به عنوان سدی مانع برقراری احساس برخورداری از رفاه اجتماعی شود.
۳	بررسی رابطه رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی در شهر سنندج	جعفر هزارجریبی و احسان مردوخ روحانی	عینی (آموزش، بهداشت، اشتغال، درآمد، مسکن، جمعیت، اوقات فراغت)	بین مؤلفه‌های رفاه اجتماعی (آموزش، بهداشت، مسکن، جمعیت و درآمد) و سرمایه اجتماعی رابطه وجود ندارد. بین اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی رابطه وجود دارد (با افزایش شاخص اوقات فراغت سرمایه اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد). با افزایش سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. کم‌بودن سرمایه اجتماعی برون‌گروهی نسبت به درون‌گروهی در شهر سنندج، توزیع ناعادلانه رفاه اجتماعی	نوع درون‌گروهی سرمایه اجتماعی در عین اینکه در سطح کلی جامعه چندان اثر مثبتی ندارد، می‌تواند به شکل‌گیری روابطی مانند روابط مافیایی و... منجر شود که در جامعه نیز اثر مخربی بر جا می‌گذارد.
۴	رابطه اعتماد، آگاهی و شبکه‌های اجتماعی با رفاه اجتماعی در شهر تهران	سید احمد فیروزآبادی، سید رسول حسینی	عینی (امکانات رفاهی)، ذهنی	عناصر سرمایه اجتماعی مانند عناصر شبکه‌ای، همبستگی و یکپارچگی اجتماعی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای	همبستگی و رابطه معنی‌داری بین عناصر سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در شهر تهران وجود دارد. عمده‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده	شاخص‌های رفاه	یافته‌ها	نتیجه‌گیری
				و مذهبی و همیارانه، آگاهی و توجه به امور عمومی، مشارکت رسمی، شبکه همکاران و همشهری‌ها، شبکه دوستان صمیمی و قرض‌دهنده، شبکه همکاران و شبکه خویشاوندان، اعتماد عمومی و اعتماد فردی و نگاه به آینده، اعتماد نهادی و احساس امنیت در تعیین سرمایه اجتماعی مؤثر است.	که با افزایش رفاه اجتماعی (از لحاظ ذهنی و امکانات رفاهی) همراه‌اند، عبارت‌اند از: شبکه خویشاوندی، احساس امنیت، مشارکت رسمی، اعتماد فردی و آگاهی و توجه به امور عمومی سیاسی اجتماعی.
۵	سرمایه اجتماعی، درآمد و رفاه فردی (مطالعه موردی: ایران)	رضا نجارزاده، محمد سلیمانی	عینی (درآمد)	سرمایه اجتماعی (درون گروهی و بین گروهی) بر درآمد و رفاه فردی اثر مثبت دارد.	سرمایه‌گذاری برای ارتقای سرمایه اجتماعی (درون گروهی و میان گروهی) می‌تواند موجب افزایش رفاه تک‌تک افراد و در نتیجه افزایش رفاه کل جامعه شود.
۶	بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان رفاه اجتماعی شهروندان شهر میانه	محمود علمی و مریم صادق‌زاده	عینی	بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دامنۀ روابط اجتماعی، دین‌داری) به جز انسجام اجتماعی، با میزان رفاه اجتماعی همبستگی مستقیم وجود دارد. میزان سرمایه اجتماعی مردان بیشتر از شهروندان زن است. دینداری، دامنۀ روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر میزان رفاه اجتماعی شهروندان دارد.	افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه بر رفاه اجتماعی افراد تأثیر دارد.
۷	بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی (شهرستان بویراحمد)	مصطفی احمدوند، سعید هدایتی، خسرو عبداللهی	ذهنی (رضایت از سلامت، رضایت پیشرفت در زندگی، امنیت در زندگی، رضایت از جایگاه و موقعیت و شادی، رضایت از ارتباط و معاشرت با دیگران، امیدواری به آینده)	کیفیت زندگی بر سرمایه اجتماعی تأثیری ندارد، اما بر رفاه اجتماعی تأثیر مثبت دارد.	بهبود رفاه اجتماعی می‌تواند ارتقای کمی و کیفی زندگی را در پی داشته باشد. منتهی سرمایه اجتماعی نتوانسته است تأثیری در پیش‌بینی وضعیت کیفیت زندگی داشته باشد.
۸	رفاه ذهنی و تأثیر اعتماد اجتماعی بر آن	حسین بارگاهی و نرگس کبیری	ذهنی (شادکامی، احساس امنیت)	اعتماد اجتماعی با رفاه ذهنی و شاخص‌های شادکامی،	افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه بر رفاه اجتماعی افراد تأثیر دارد.

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده	شاخص‌های رفاه	یافته‌ها	نتیجه‌گیری
	(مطالعه موردی: جوانان ساکن شهر تهران)		ترجیحات ارزشی، استحقاق، نیاز و (رهایی)	احساس امنیت، ترجیحات ارزشی، استحقاق و نیاز و رهایی رابطه مثبت و معنادار دارد.	
۹	بررسی میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه در بین شهروندان شهر اردکان)	رضا صفری شالی، محمد مهدی‌زاده اردکانی	ذهنی (احساس امنیت، رضایت از زندگی، دینداری، احساس عدالت، تقدیرگرایی)		بهبود رفاه اجتماعی می‌تواند ارتقای کمی و کیفی زندگی را در پی داشته باشد. اما سرمایه اجتماعی نتوانسته است تأثیری در پیش‌بینی وضعیت کیفیت زندگی داشته باشد.
۱۰	تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه: مورد مطالعه دهستان بالادربند	موسی اعظمی و سعید هدایتی‌نیا	عینی	احساس امنیت، رضایت از زندگی، دینداری، احساس عدالت بر برخورداری از رفاه اجتماعی تأثیر زیادی دارد، اما تقدیرگرایی تأثیری بر رفاه اجتماعی ندارد.	هرگونه تغییر و نوسان در متغیر اعتماد اجتماعی، می‌تواند به تغییر رفاه ذهنی و شاخص‌های آن منجر شود.
۱۱	بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: دهستان میانکوه شرقی)	مهرشاد طولابی‌نژاد، سیروس قنبری، محسن شایان	عینی و ذهنی (درآمد، امکانات بهداشتی، اوقات فراغت، مهاجرت، امکانات آموزشی، رضایت از کیفیت زندگی و ارتقای سطح زندگی)	با افزایش هریک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (همکاری، اعتماد، شبکه‌های روابط، انسجام، آگاهی و شناخت) رفاه اجتماعی روستاییان بهبود می‌یابد. از این بین، آگاهی بیش از سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی، و همکاری کمترین تأثیر را بر رفاه اجتماعی می‌گذارد.	سازمان‌دهی رفاه نیازمند اقدامات سازمان‌های دولتی و داوطلبانه، بازارهای کار، خانواده و... است.
۱۲	بررسی میزان انطباق رفاه ذهنی با رفاه عینی و تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (با تأکید بر بررسی تأثیر متغیرهای دینداری، وضعیت قومی، احساس آزادی) مطالعه موردی: شهروندان استان‌های کردستان و سمنان	محمدسعید ذکایی، نادر مروتی	عینی و ذهنی (محل سکونت، درآمد، مسکن، اتومبیل، شغل، امکانات تفریحی، رضایت از زندگی، شادکامی، ارضاء نیاز روحی و روانی، امید به آینده)	از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، مشارکت اجتماعی بیشترین و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه خانوارهای روستایی داشته است.	روستاییانی که آگاهی، انسجام و اعتماد بیشتری درمورد فعالیت‌ها در جامعه دارند، رفاه اجتماعی (شادکامی و رضایت) بیشتری خواهند داشت.
۱۳	مطالعه جامعه‌شناختی	مینا شیروانی	ذهنی (شادکامی)	در استان کردستان، احساس	کاربرد سرمایه اجتماعی مبتنی بر

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده	شاخص های رفاه	یافته ها	نتیجه گیری
	رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران)	ناغانی، افسانه ادریسی، زهراسادات مشیراستخاره	تأمین ترجیحات، استحقاق، نیازها)	آزادی و در استان سمنان دینداری، بیشترین تأثیر را بر رفاه عینی و انطباق آن با رفاه ذهنی دارد. تفاوت در رفاه عینی و ذهنی در شهرهای استان سمنان وجود دارد ما در استان کردستان شکاف بین رفاه عینی و ذهنی وجود ندارد. بین متغیرهای وضعیت قومی و دینداری رابطه معناداری با انطباق رفاه عینی و ذهنی وجود دارد.	اعتماد متقابل و مشارکت میان افراد سبب می شود تا روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری در آنان تقویت می شود و هنگام رویارویی با مشکلات، در جهت رفع مشکلات برآیند و به خود متکی باشند و توانمندی و رفاه اقتصادی و اجتماعی را در روستاها تقویت می کند.
۱۴	تبیین جامعه شناختی تغییرات اجتماعی حاصل شده در سرمایه اجتماعی کارکنان ستادی سازمان تأمین اجتماعی و رفاه ذهنی آنها	الهام وقاری، باقر ساروخانی، علیرضا کلدی	ذهنی (شادی و نشاط، رضایتمندی، دل بستگی های زندگی، ترجیحات ارزشی، هدف داری در زندگی و رشد شخصی، سعادت)	از میان مؤلفه های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه ذهنی شهروندان دارد. ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی شهروندان رابطه معنادار دارد و فرصت هایی ایجاد می کند که افراد بتوان بر ناامنی و تشویش ذهنی خود غلبه کنند و حس خوشبختی و رضایت و در نتیجه رفاه ذهنی داشته باشند.	رفاه عینی و ذهنی و تطابق یا عدم تطابقشان متأثر از متغیرها و فاکتورهای هویتی، احساس آزادی، دین و متغیرهای دیگر است.
۱۵	تبیین رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی (مطالعه موردی: روستاهای بخش مهردشت نجف آباد)	احمد مؤمنی، زهرا نوروزی شیخ لور	عینی (امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی، مسکن، رضایت از زندگی، تغذیه مطلوب، اشتغال، بیکاری، بهداشت و درمان، زیر ساخت)	از میان مؤلفه های سرمایه اجتماعی به ترتیب اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، تعهدات اجتماعی و مشارکت و تعاملات اجتماعی، بیشترین تأثیر و آگاهی اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه ذهنی کارکنان دارند.	سرمایه اجتماعی با تسهیل کنش های اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در تأمین و دستیابی به ترجیحات افراد دارد که با کاهش تنش های ذهنی، شادکامی و حس خوشبختی را برای شهروندان رقم می زند.
۱۶	سنجش سرمایه اجتماعی و سطح بندی آن در طبقات مختلف مناطق ۱۴ گانه شهر اصفهان در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱	وحید قاسمی، سحر فاتقی، آرمین امیر	-	از بین مؤلفه های سرمایه اجتماعی (میزان آگاهی، میزان رضایتمندی، انسجام اجتماعی و ارتباطات اجتماعی)، ارتباطات اجتماعی بیشترین تأثیر را بر رفاه اجتماعی مناطق روستایی دارد.	مهم ترین اصل در بهبود ذهنی کارکنان، برنامه ریزی های مدون کارشناسی شده داخل سازمانی و مشاوره گرفتن از جامعه شناسان و روان شناسان در چگونگی بهره گیری از مؤلفه های سرمایه اجتماعی در بهبود رفاه ذهنی آنان است.

گام چهارم، استخراج اطلاعات منابع: در این مرحله با توجه به موضوع مورد مطالعه و روش فراترکیب، اطلاعات درباره موضوع مورد مطالعه از منابع استخراج شدند.

گام پنجم، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها: در این مرحله پژوهشگران با استفاده از یافته‌های استخراج شده و برای فهم جدید به ایجاد طبقه‌بندی و الگوهای مشخص در یافته‌ها پرداختند.

گام ششم، تعیین کیفیت منابع: برای تعیین کیفیت منابع و الگوهای استخراج شده، با مشورت با صاحب‌نظران این حوزه نظرات بررسی شدند.

گام هفتم، ارائه یافته‌ها: در نهایت با استفاده از یافته‌ها به توضیحات غنی از داده‌ها به نتیجه‌گیری پرداخته شد که به صورت خلاصه در بحث و نتیجه‌گیری می‌آید.

۵. یافته‌ها

۱۶ مقاله‌ای که در این پژوهش بررسی شدند، طی ۱۱ سال (۱۳۹۰ تا زمستان ۱۴۰۱) در ۱۴ مجله علمی-پژوهشی به چاپ رسیده‌اند. ۱۴ مورد از این مقالات در نشریات تخصصی علوم اجتماعی منتشر شده‌اند که ۳ مورد از آن‌ها با حوزه جغرافیا مشترک هستند. ۲ مورد دیگر نیز در نشریات حوزه اقتصاد منتشر شده‌اند. مقالات توسط ۳۷ نویسنده به نگارش درآمده که از این بین ۸ نویسنده زن و ۲۹ نویسنده مرد هستند.

از لحاظ روش، ۸۷/۵ درصد از مقالات بررسی شده، پیمایشی (کمی) و تنها ۱۲/۵ درصد از آنان برحسب نیاز از روش تلفیقی (اسنادی و پیمایشی) استفاده کرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت ۹۳ درصد پژوهش‌ها از روش کمی برای سنجش رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی بهره گرفته‌اند. در صورتی که روش‌های کیفی برای سنجش سرمایه اجتماعی خیلی کم استفاده شده است. قلمرو مطالعه بیش از ۸۷ درصد پژوهش‌های بررسی شده شهرستان‌ها یا روستاهای ایران به صورت منفرد است. البته یکی از مقالات، دو استان (کردستان و سمنان) را با یکدیگر مقایسه کرده است. در دوره مورد بررسی، بیشتر چند استان محروم مطالعه شده‌اند و تمام استان‌ها به صورت متوازن بررسی نشده‌اند. افراد در کنار استان و شهرهای ایران به عنوان واحد تحلیل، بیش از سایر واحدهای تحلیل از سوی پژوهشگران مطالعه شده‌اند. واحد تحلیل اکثر مقالات، فرد است و بعد از آن خانوار و گروه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. در هیچ کدام از پژوهش‌ها طرح‌ها و برنامه‌های رفاهی و تجربه سایر کشورها بررسی نشده است تا بتوان علل پیشرفت یا تنزل وضعیت رفاهی و سرمایه اجتماعی در کل کشور شناسایی شود. در تمامی ۱۶ مقاله بررسی شده، رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد و مؤلفه‌های آن را با رفاه اجتماعی مطالعه شده است. در ۶ مقاله، بر بعد اقتصادی رفاه (بعد عینی) تأکید شده است. ۵ مقاله بعد ذهنی رفاه را بررسی کرده‌اند و فقط ۳ مقاله ابعاد اقتصادی (عینی و ذهنی) رفاه را هم‌زمان مورد بررسی قرار داده‌اند. ۵۳ درصد مقالات فقط از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده کرده‌اند. در مقالاتی که از تکنیک‌های نظری، کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شده، تکنیک پیمایش نیز هم‌زمان به کار رفته است. براساس مقالات بررسی شده، ۹۳/۷۵ درصد از پژوهش‌ها تکنیک کمی (آمار توصیفی و استنباطی) را برای تحلیل داده‌ها ترجیح داده‌اند. پژوهش‌هایی که ترکیبی از تکنیک کمی و کیفی را به کار برده‌اند، فقط ۶/۲۵ درصد مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت استفاده از روش‌های کیفی مورد تأکید نویسندگان مقالات نبوده است. در مقالات با رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناختی، تکنیک کیفی وجه ضعیفی دارد و بیشتر از تکنیک کمی استفاده شده است. تمامی مقالات با تکنیک پیمایش انجام گرفته‌اند؛ در صورتی که بسیاری از پژوهش‌ها در یک روستا یا شهرستان کوچک انجام گرفته‌اند. افراد فاقد تحصیلات لازم هستند و پاسخ به سؤالات پرسشنامه برای آنان دشوار است. همین عاملی می‌شود برای اینکه جامعه آماری شفافی

نداشته باشند و در نهایت، تعمیم یافته‌ها به درستی صورت نگیرد. در صورتی که استفاده از تکنیک مصاحبه در چنین میدان‌هایی نتایج بهتر و مفیدتری به بار می‌آورد و می‌توان با تکنیک مصاحبه، اطلاعات را به صورت عمیق‌تر جمع‌آوری کرد؛ زیرا مصاحبه‌شوندگان براساس فهم خود مباحث را مطرح می‌کنند. در دوره مورد بررسی، میزان شاخص‌های رفاه عینی، با ۳۲ شاخص بیش از شاخص‌های ذهنی با ۲۳ شاخص برای سنجش رفاه اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از بین شاخص‌های ذهنی، شاخص شادکامی و رضایت، به عنوان مهم‌ترین شاخص رفاهی در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. درآمد و بهداشت در شاخص رفاه عینی، بیش از سایر شاخص‌ها مورد تأکید نویسندگان مقالات بوده است. می‌توان گفت مقالات مورد بررسی، بیشتر رفاه را از بعد عینی و اقتصادی دیده‌اند و تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی در بعد اقتصادی و عینی، و بیشتر در سطح روستا و شهرستان مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب به سطح ملی و جهانی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر توجهی نشده است. در صورتی که توجه به سرمایه اجتماعی ملی دید وسیع‌تری برای تحلیل و سنجش سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی به ما می‌دهد. توسعه اجتماعی که بر افزایش توانمندی‌های یک اجتماع توجه دارد، در پژوهش‌های مورد بررسی مدنظر نبوده است. با اینکه عناوین بسیاری از مقالات، بررسی سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در یک اجتماع کوچک است، تنها از جنبه اقتصادی به تأثیر سرمایه اجتماعی توجه شده و کمتر بر افزایش توانمندی‌های مردم محلی و افزایش توسعه منطقه‌ای و تأثیر آن بر توسعه ملی تأکید شده است؛ زیرا سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی ارزشمند در جوامع شناخته می‌شود که در توسعه فردی و اجتماعی نقش مهمی دارد؛ بنابراین حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به بهبود کیفیت زندگی و پایداری جوامع کمک می‌کند؛ چرا که سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی با یکدیگر در ارتباط هستند.

شاخص‌هایی نظیر انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه روابط بیش از سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مورد تأکید نویسندگان بوده‌اند. منظور از شبکه روابط، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی و همچنین وضعیت قومی و تعاملات اجتماعی است که در تعیین سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی مناطق، اندازه‌گیری شده‌اند.

برای سنجش سرمایه اجتماعی، بیشتر از شاخص‌هایی نظیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی و شبکه روابط استفاده شده است. شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی که از وضعیت بهتری برخوردارند، شاخص‌هایی هستند که به اصطلاح به آن‌ها سرمایه اجتماعی سنتی می‌گویند و به وجوه غیررسمی جامعه مربوط می‌شوند (مشارکت غیررسمی، مذهبی و خیریه‌ای)، اما شاخص‌هایی که با زندگی مدرن منطبق‌اند (سرمایه اجتماعی مدرن)، وضعیت مطلوبی ندارند (اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، انسجام اجتماعی و مشارکت رسمی). می‌توان گفت سرمایه اجتماعی غیررسمی، تسهیل‌گر سرمایه اجتماعی در جامعه است. اما لزوماً سرمایه اجتماعی رسمی، رفاه اجتماعی را افزایش نمی‌دهد.

یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی در مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت است. همکاری، وساطت اجتماعی و حمایت اجتماعی در طبقات محروم کمتر از نیمه‌برخوردار و برخوردار است. اما انسجام اجتماعی در طبقات محروم بیشتر از نیمه‌برخوردار و برخوردار است. همچنین از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی هیچ نقشی در کاهش فقر روستایی در برخی از مناطق ندارد. یافته‌ها حاکی از آن است که استان‌هایی که از لحاظ قومی یکدست هستند و نوع فرهنگ و تعلقات فرهنگی‌شان متفاوت با مرکز کشور است، با توجه به فرهنگ قومی یکدستی که دارند، در درون اجتماع خود دارای سرمایه اجتماعی درون‌گروهی قوی هستند؛ زیرا فرهنگ قومی آنان موجب می‌شود حس همبستگی اجتماعی و احساس تعلق به درون گروه خود را داشته باشند. درواقع می‌توان گفت هرچه فرد از لحاظ هویتی و فرهنگی، درهم‌تنیدگی بیشتری با فرهنگ سنتی و قومی خود داشته باشد و افراد به دلیل اهمیتی که برای فرهنگ سنتی و قومی خود قائل هستند آن را بازتولید کنند، از رفاه ذهنی بیشتری برخوردار خواهند شد. اما در استان‌های توسعه‌یافته

و درواقع برخوردار، هرچقدر توسعه‌یافتگی بیشتر باشد، هویت قومی کمرنگ‌تر است. در استان‌های توسعه‌یافته، از آنجا که افراد و گروه‌های مختلفی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند که بعضاً از لحاظ قومی ارتباطی با یکدیگر ندارند، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی کمتر و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بیشتر است.

مقوله‌های مشترک مقالات عبارت‌اند از: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، وساطت اجتماعی، عضویت در انجمن و تشکل‌ها، همکاری، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی، تعهد اجتماعی، دامنه روابط اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، رضایتمندی و رفاه اجتماعی. ارتباط بین این مفاهیم در قالب شبکه‌ای پیچیده از تأثیرات متقابل قابل توضیح است. هریک از این مفاهیم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر دیگری اثرگذار است و همگی در ایجاد و تقویت جامعه‌ای پویا و هماهنگ و درنهایت بر رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارند. همچنین این مفاهیم به‌گونه‌ای در هم تنیده‌اند که تقویت یا ضعف یکی بر دیگری تأثیر می‌گذارد. انسجام اجتماعی با تقویت همبستگی و همدلی بین افراد جامعه، حس تعلق و امنیت را افزایش می‌دهد. این امر سبب می‌شود افراد در یک جامعه احساس خوشبختی و رفاه بیشتری داشته باشند. مشارکت اجتماعی، افراد را به فعالیت‌های جمعی و گروهی ترغیب می‌کند که به افزایش تعاملات مثبت و همکاری‌های اجتماعی منجر می‌شود. این فعالیت‌ها نه تنها فرصت‌های یادگیری و رشد فردی را فراهم می‌کنند، بلکه حس ارزشمندی و تعلق به جامعه را نیز افزایش می‌دهند، موجب ایجاد روابط سالم و مستحکم بین افراد می‌شوند و درنهایت اعتماد اجتماعی به‌وجود می‌آورند. افراد در جوامعی که اعتماد بیشتری دارند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، کمتر دچار استرس و اضطراب می‌شوند و احساس مسئولیت افراد نسبت به همدیگر و جامعه، تعهد اجتماعی آن‌ها را تقویت می‌کند. این احساس مسئولیت به تلاش‌های بیشتر برای بهبود شرایط زندگی در جامعه و کمک به دیگران می‌انجامد که درنهایت رفاه اجتماعی را بهبود می‌بخشد. همچنین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با تقویت روابط نزدیک و حمایت‌های متقابل بین اعضای گروه‌های خاص، به افزایش رفاه فردی و جمعی کمک می‌کند. افراد در گروه‌هایی که روابط قوی‌تری دارند، احساس امنیت و حمایت بیشتری می‌کنند. البته روابط درون‌گروهی قوی، گاهی روابط مخرب و مافیایی به‌وجود می‌آورد که برای از بین بردن آن باید روابط اجتماعی برون‌گروهی تقویت شود. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با تقویت روابط گروه‌های مختلف، به ایجاد جامعه‌ای متنوع و فراگیر کمک می‌کند. این نوع سرمایه اجتماعی، تبعیض و نابرابری‌ها را کاهش و عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد. عضویت در شبکه‌ها و انجمن‌ها نیز فرصتی برای تعاملات اجتماعی، یادگیری و تبادل نظر فراهم می‌کند. افراد با این عضویت‌ها می‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند و از حمایت‌های اجتماعی بهره‌مند شوند که موجب تقویت رفاه اجتماعی آن‌ها می‌شود؛ بنابراین این مفاهیم به‌صورت جمعی و متقابل تأثیر مثبتی بر رفاه اجتماعی دارند. با تقویت آن‌ها در جامعه، اعتماد، همبستگی، مشارکت و تعهد اجتماعی در جامعه افزایش پیدا می‌کند که همه این‌ها به ایجاد جامعه‌ای پویا، حمایتگر و فراگیر منجر می‌شود. در نتیجه افراد در چنین جامعه‌ای احساس رضایت، امنیت و خوشبختی بیشتری خواهند داشت که نشان‌دهنده بهبود کلی رفاه اجتماعی است.

سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، همبستگی اجتماعی و ارتباطات مثبت است، منبعی اساسی برای ساختارهای اجتماعی و توسعه فردی در جوامع به‌شمار می‌آید. رفاه اجتماعی نیز به بهبود کیفیت زندگی و خوب‌بودن اجتماعی افراد اشاره دارد. وجود سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای حل مشکلات اجتماعی، افزایش همکاری و افزایش اعتماد میان افراد، به بهبود رفاه اجتماعی کمک می‌کند؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت رفاه اجتماعی در جوامع مختلف عمل می‌کند؛ در صورتی که پیش‌شرط‌های ضروری برای وقوع سرمایه اجتماعی شامل روابط یا کنش‌های اجتماعی، مبادله اجتماعی، بده‌وبستان اقتصادی، نیت و قصد خیر، روابط رفت‌وبرگشتی یا دوسویه، همبستگی و مشارکت، عامل یا کنشگر، اعتماد و فرهنگ اعتماد، و مدارا هستند. نبود این

ویژگی‌ها موجب فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود و فرسایش سرمایه اجتماعی، اثراتی منفی بر جامعه می‌گذارد. برخی از تأثیرات عبارت‌اند از: ۱. افزایش احساس تنهایی: کاهش تعاملات اجتماعی و اعتماد سبب افزایش احساس تنهایی در افراد می‌شود که تأثیری منفی و مستقیم بر رفاه روحی و روانی افراد دارد؛ ۲. کاهش حمایت اجتماعی: فرسایش سرمایه اجتماعی موجب کاهش حمایت اجتماعی در مواقع نیاز می‌شود که بر مقابله با مشکلات و استرس‌های زندگی اثرگذار است؛ ۳. کاهش اطمینان اجتماعی: اعتماد و تعاملات اجتماعی، به اطمینان افراد از اینکه در جامعه پشتیبان دارند کمک می‌کند. فرسایش سرمایه اجتماعی، این اطمینان را از میان می‌برد؛ ۴. کاهش مشارکت اجتماعی: انگیزه برای مشارکت در امور اجتماعی و مشارکت شهروندی با کاهش سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. در نتیجه، فرسایش سرمایه اجتماعی به کاهش کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی در یک جامعه می‌انجامد.

همچنین در مقیاس بزرگ‌تر، کاهش سرمایه اجتماعی به کاهش بهره‌وری اقتصادی و اجتماعی، افزایش تنش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی منجر می‌شود. در صورتی که فرسایش سرمایه اجتماعی، تأثیراتی منفی بر سرمایه اقتصادی دارد. این اثرات شامل موارد زیر می‌شوند: ۱. کاهش همکاری و اعتماد: فرسایش سرمایه اجتماعی، همکاری و اعتماد را در جامعه کاهش می‌دهد. این موضوع، کارایی اقتصادی منطقه را تضعیف می‌کند و هزینه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ ۲. افزایش هزینه‌های تراکشی: اعتماد و همکاری میان افراد کاهش و هزینه‌های تراکشی افزایش می‌یابد. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های ارتباطات بیشتر، قراردادهای حقوقی پیچیده‌تر و هزینه‌های نظارت می‌شود؛ ۳. کاهش نوآوری: همکاری و تعاملات اجتماعی در فرایند نوآوری نقش مهمی ایفا می‌کنند. فرسایش سرمایه اجتماعی به کاهش فعالیت‌های نوآورانه و توسعه اقتصادی منجر می‌شود. در نتیجه، فرسایش سرمایه اجتماعی به کاهش عملکرد و افزایش مشکلات اجتماعی در جامعه می‌انجامد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

براساس بررسی‌ها مشخص شد اکثر پژوهش‌ها، دیدگاه اقتصادی به مقوله رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی داشته‌اند. میدان مورد مطالعه بیشتر پژوهش‌ها، روستاها و شهرستان‌های مختلف در سطح کشور است که این امر نشان از رویکرد اجتماع‌محوری در بررسی سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی دارد. اما در نظریه‌پردازی، از رویکردهای اجتماع‌محوری و توانمندسازی برای از بین بردن موانع سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی بحثی صورت نگرفته است. در واقع در اکثر مطالعات، سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر رفاه به صورت جزیره‌ای مطالعه شده است. جزیره‌ای دیدن سرمایه اجتماعی به این معناست که تعاملات اجتماعی درون گروه خاصی محدود شده است و این افراد با سایر اجزای جامعه ارتباط کمتری برقرار می‌کنند. از آنجا که سرمایه اجتماعی درون گروهی، اعتماد و همبستگی داخل یک گروه را افزایش می‌دهد و موجبات بهبود ارتباطات را فراهم می‌کند و همکاری بهتر را ترویج می‌دهد، اما این موضوع چند مشکل را در جامعه ایجاد می‌کند: ۱. کاهش تعاملات میان گروه‌ها: اگر افراد فقط با یک گروه خاص تعامل داشته باشند، ارتباطات بین گروه‌ها کاهش می‌یابد که سبب ناتوانی در حل مشکلات جامعه و افزایش تفاوت‌ها می‌شود؛ ۲. اعتبارات اجتماعی ضعیف‌تر: افرادی که فقط در یک گروه مشغول به فعالیت هستند، در برخورد با افراد خارج از این گروه دچار مشکلات ارتباطی می‌شوند و اعتبارات اجتماعی ضعیف‌تری دارند. در کل، جزیره‌ای دیدن سرمایه اجتماعی سبب افزایش تقسیمات اجتماعی و کاهش تعاملات مفید در جامعه می‌شود. از سؤالات پژوهش حاضر این است که پژوهش‌های علمی سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در ایران به چه مسائلی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های مورد بررسی، سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی مطالعه شده و بیشتر با استفاده از روش‌های کمی، بعد اقتصادی رفاه را در یک روستا یا شهرستان کوچک مطالعه کرده‌اند. سؤال دیگر محققان این بود که پژوهش‌های پیشین چه نتایجی به دست آورده‌اند. مطابق نتایج، با افزایش سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی، رفاه اجتماعی نیز افزایش

می‌یابد. تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی در مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت است. همکاری، وساطت اجتماعی و حمایت اجتماعی در طبقات محروم کمتر از نیمه‌برخوردار و برخوردار است. باین‌حال انسجام اجتماعی در طبقات محروم بیشتر از نیمه‌برخوردار و برخوردار است. همچنین از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه اجتماعی دارد. در برخی مناطق، سرمایه اجتماعی هیچ نقشی در کاهش فقر روستایی ندارد.

نتایج مطالعه پیش‌رو با پژوهش‌های هزارجریبی و مردوخ (۱۳۹۰) و اعظمی و هدایتی‌نیا (۱۳۹۷) مبنی بر اینکه افزایش هریک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی افزایش رفاه اجتماعی را در پی دارد همسو است. همچنین هم‌راستا با پژوهش ذکایی و مروتی (۱۳۹۸) است مبنی بر اینکه در استان‌های مختلف، معیارهای گوناگونی برای ایجاد همبستگی وجود دارد و در برخی از مکان‌ها هویت قومی و برخی هویت دینی و... موجب ایجاد همبستگی و مشارکت بین افراد می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر درآمد و رفاه فردی اثر مثبت دارد که با نظر فوکویاما مطابقت دارد. به‌علاوه بر پژوهش مؤمنی و نوروزی شیخ‌نور (۱۴۰۱) که نشان دادند با افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی، رفاه مناطق روستایی نیز افزایش پیدا می‌کند، صحنه می‌گذارد.

بنابراین در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه آیا می‌توانیم بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی ارتباط برقرار کنیم، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در گروه‌های قومی در ایران یک پدیده چندوجهی و پیچیده است که با توجه به تنوع فرهنگی، تاریخی و اجتماعی کشور به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود و چه‌بسا گاهی با چالش‌هایی همراه است که رفاه عینی و ذهنی را دچار خدشه می‌کند. این گروه‌ها با تبادل فرهنگی و اقتصادی می‌توانند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کنند و موجب ارتقای وضعیت اقتصادی گروه خودی و کل جامعه شوند. در این راستا سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی باید بین تمام گروه‌ها هماهنگی ایجاد کند تا حس همبستگی بین گروهی در کنار همبستگی درون‌گروهی و به‌تبع آن رفاه جامعه ارتقا یابد.

از سوی دیگر ترمیم رابطه اعتماد میان شهروندان و دولت به‌مثابه پیش شرط ضروری شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، بر شکل‌گیری رفاه همگانی و از آن طریق، حرکت جامعه به‌سوی توسعه پایدار و مشارکت هوشمندانه و هدفمند شهروندان در این فرایند واجداهمیت است و نبود یا کمبود آنها ممکن است در تأمین رفاه و حرکت جامعه به‌سوی توسعه پایدار مانع و اختلال ایجاد کند (زاهدی‌مازندرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

تلاش برای افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی به‌آسانی میسر نیست و نیازمند برنامه‌هایی در سطح کلان و ملی است. پیشنهادهای نگارندگان برای افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد؛ ۲. افزایش شفافیت در عملکرد نهادها و تصمیمات مربوط به رفاه اجتماعی برای گسترش اعتماد عمومی؛ ۳. بازنگری در سیاست‌های رفاهی و ارائه خدمات به اقشار ضعیف برای تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی؛ ۴. راه‌اندازی پروژه‌های مشارکتی میان اقوام؛ ۵. توسعه برنامه‌های عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری بین گروه‌های مختلف.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- احمدوند، مصطفی و هدایتی‌نیا، سعید، و عبداللهی، خسرو (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۱(۲)، ۸۹-۱۱۲.
- اعظمی، موسی، و هدایتی‌نیا، سعید (۱۳۹۷). تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه: مورد مطالعه دهستان بالادربند. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۵(۴)، ۴۶۹-۴۸۹. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2019.140439.1746>
- بارگاهی، حسین، و کبیری، نرگس (۱۳۹۴). رفاه ذهنی و تأثیر اعتماد اجتماعی بر آن (مطالعه موردی: جوانان ساکن شهر تهران). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶(۲۰)، ۳۲-۹.
- برامکی یزدی، حجت‌اله (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر توسعه، مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی. فصلنامه راهبردی یاس، ۱۶، ۱۶۱-۱۸۵.
- پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، و رحمتی، مهدی (۱۳۹۱). نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان (مطالعه موردی: دهستان میانکوه غربی، شهرستان پلدختر، استان لرستان). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۶(۴۲)، ۴۵-۶۳.
- حق‌جو، ناصر (۱۳۸۱). رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی در ایران). فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲(۶)، ۷۵-۹۶.
- دانش‌مهر، حسین، و هدایت، عثمان (۱۳۹۷). تحلیل روایت ذی‌نفعان از فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان تعاونی‌های تولید روستایی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان). فصلنامه توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۰(۲)، ۲۰۷-۲۳۰. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.71114>
- ذکایی، محمدسعید، و مروتی، نادر (۱۳۹۸). بررسی میزان انطباق رفاه ذهنی با رفاه عینی و تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (با تأکید بر بررسی تأثیر متغیرهای دینداری، وضعیت قومی، احساس آزادی) مطالعه موردی: شهروندان استان‌های کردستان و سمنان. فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۱۲۱-۱۷۷. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2019.10345>
- زاهدی‌اصل، محمد (۱۳۹۰). مبانی رفاه اجتماعی. ویرایش دوم. چاپ دوم. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زاهدی‌مازندرانی، شیبانی، ملیحه و علی‌پور، پروین (۱۳۹۳). تأثیرگذاری هنجارهای مشارکتی بر رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۴ (۵۲): ۳۳، ۳۳. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-۱۴۷۹-fa.html>
- شیروانیان، عبدالرسول، و نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۹۰). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر روستایی (مطالعه موردی: محدوده شبکه آبیاری و زه‌کشی دروزن). اقتصاد کشاورزی، ۵(۳)، ۲۵-۵۳.
- شیروانی ناغانی، مینا، ادیسی، افسانه، و مشیراستخاره، زهراسادات (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۲(۴۹)، ۱۴۵-۱۸۴. <https://www.doi.org/10.22054/qjsd.2021.62621.2220>
- صفری شالی، رضا، و مهدی‌زاده اردکانی، محمد (۱۳۹۶). بررسی میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه در بین شهروندان شهر اردکان). فصلنامه برنامه رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۰)، ۱۷۷-۲۲۴. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8013>
- طولابی‌نژاد، مهرشاد، قنبری، سیروس و شایان، محسن (۱۳۹۷). بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: دهستان میانکوه شرقی). نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۲(۶۶)، ۱۶۳-۱۸۵.
- علمی، محمود، و صادق‌زاده، مریم (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان رفاه اجتماعی شهروندان شهر میانه. مطالعات علوم اجتماعی، ۹(۲)، ۱۵۵-۱۷۸.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۳). نظریه رفاه. ترجمه هرمز همایون‌پور. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

- فیروزآبادی، سید احمد، و حسینی، سید رسول (۱۳۹۱). رابطه اعتماد، آگاهی و شبکه‌های اجتماعی با رفاه اجتماعی در شهر تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳ (۴۹)، ۷-۳۹.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: کویر.
- قاسمی، وحید، فائق، سحر، و امیر، آرمین (۱۳۹۲). سنجش سرمایه اجتماعی و سطح‌بندی آن در طبقات مختلف مناطق ۱۴گانه شهر اصفهان در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱. توسعه اجتماعی ایران، ۵ (۳)، ۷-۳۰.
- مؤمنی، احمد، و نوروزی شیخ‌لر، زهرا (۱۴۰۱). تبیین رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی (مطالعه موردی: روستاهای بخش مهردشت نجف‌آباد). جغرافیا و روابط انسانی، ۵ (۳)، ۱۲۱-۱۴۳. <https://doi.org/10.22034/gahr.2022.366157.1760>
- نجارزاده، رضا و سلیمانی، محمد (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی، درآمد و رفاه فردی (مطالعه موردی: ایران). مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۷ (۲)، ۱۷۷-۱۹۳. <https://doi.org/10.22059/jte.2012.25016>
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج اول. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج دوم. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج سوم. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- وبسایت شاخص رفاه لگانوم www.prosperity.com
- وقاری، الهام، ساروخانی، باقر، و کلدی، علیرضا (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی تغییرات اجتماعی حاصل‌شده در سرمایه اجتماعی کارکنان ستادی سازمان تأمین اجتماعی و رفاه ذهنی آن‌ها. تغییرات اجتماعی-فرهنگی، ۳ (۱۸)، ۴۱۷-۴۳۴.
- <https://doi.org/10.30495/jssc.2021.690273>
- هزارجریبی، جعفر، و صفری شالی، رضا (۱۳۹۰). رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲ (۵)، ۱-۲۲. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1390.2.5.1.5>
- هزارجریبی، جعفر، و مردوخ روحانی، احسان (۱۳۹۱). بررسی رابطه رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماع در شهر سنندج. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۱)، ۳۴-۵۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1391.23.1.3.6>

- Ahmadvand, M., Hedayatinia, S., & Abdullahi, Kh. (2011). Investigating the effect of welfare and social capital on the quality of life in the rural areas of Boyer Ahmad city. *Research and Rural Planning*, 1(2), 89-112. (In Persian)
- Azami, M. & Hedayatinia, S. (2017). The effect of social capital components on the social well-being of rural areas of Kermanshah city: the case study of Baladarband village. *Rural Development Strategies Quarterly*, 5(4), 489-469. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2019.140439.1746> (In Persian)
- Baramaki Yazdi, H. (2008). Factors affecting development, Case study: social capital. *Yas Strategic Quarterly*, 16, 161-185. (In Persian)
- Bargahi, H., & Kabiri, N. (2014). Mental well-being and the effect of social trust on it (a case study of young people living in Tehran). *Youth Sociological Studies Quarterly*, 6(20), 9-32. (In Persian)
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. (1986). *Cultural theory: An anthology*, 1(81-93), 949.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Daneshmehr, H., & Hedayat, O. (2017). Analysis of stakeholders' narratives about the collapse of social capital among rural production cooperatives (Case study: rural production cooperatives of Kurdistan province). *Local Development Quarterly (Rural-Urban)*, 10(2), 207-230. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.71114> (In Persian)
- Elmi, M., & Sadeghzadeh, M. (2011). Investigating the relationship between social capital and the level of social well-being of middle-sized city citizens. *Social Science Studies*, 9(2), 155-178. (In Persian)
- Field, J. (2016). *Social capital*. Translated by: Gh. R. Ghafari & H. Ramezani. Tehran: Kavir Publications. (In Persian)

- Firouzabadi, S. A., & Hosseini, S. R. (2013). The relationship between trust, awareness and social networks with social well-being in Tehran. *Social Welfare Scientific-Research Quarterly*, 13(49), 7-39. (In Persian)
- Fitzpatrick, T. (2004). *Welfare Theory*. Translated by: H. Homayunpour. Tehran: Higher Institute of Social Security Research. (In Persian)
- Fukuyama, F. (1997). end of order; Social capital and its preservation. Translated by: Gh. A. Tavassoli. Tehran: Iranian Society. (In Persian)
- Ghasemi, V., Faeghi, S., & Amir, A. (2012). Measurement of social capital and its stratification in different classes of 14 districts of Isfahan city in 2011-2012. *Social Development of Iran*, 5(3), 7-30. (In Persian)
- Haqjoo, N. (2011). Social welfare and development (A review of the functioning of some support institutions in Iran). *Social Welfare Scientific and Research Quarterly*, 2(6), 75-96. (In Persian)
- Hazarjaribi, J., & Mardukh Rouhani, E. (2011). Investigating the relationship between social welfare and community capital in Sanandaj city. *Applied Sociology*, 23(1), 34-50.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1391.23.1.3.6> (In Persian)
- Hazarjaribi, J., & Safarishali, R. (2018). Social welfare and factors affecting it (case study of Tehran city). *Journal of Research and Urban Planning*, 2(5), 1-22. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1390.2.5.1.5> (In Persian)
- Jennings, C., & Sanchez-Pages, S. (2017). Social capital, conflict and welfare. *Journal of Development Economics*, 124, 157-167. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2016.09.005>
- Jha, J., & Kelley, E. J. (2023). Returns to relationships: social capital and household welfare in India. *Social Sciences*, 12(3), 184. <http://dx.doi.org/10.3390/socsci12030184>
- Legatum welfare index website, Retrieved from: www.prosperity.com/rankings?pinned=
- Ministry of Culture and Islamic Guidance (1997). *Values and attitudes of the Iranians of first wave*. Tehran: Office of National Plans. (In Persian)
- Ministry of Culture and Islamic Guidance (2003). *Values and attitudes of the Iranians of the second wave*. Tehran: Office of National Plans. (In Persian)
- Ministry of Culture and Islamic Guidance (2015). *Values and attitudes of the Iranians of the third wave*. Tehran: Office of National Plans. (In Persian)
- Momeni, A., & Nowrozi Shikhler, Z. (2022). Explaining the relationship between social capital and social well-being (a case study of villages in Mehrdasht district of Najafabad). *Journal of Geography and Human Relations*, 5(3), 121-143. <https://doi.org/10.22034/gahr.2022.366157.1760> (In Persian)
- Najarzadeh, R. & Soleimani, M. (2012). Social capital, income and individual well-being (case study of Iran). *Journal of Economic Research*, 47(2), Pages: 177-193. <https://doi.org/10.22059/jte.2012.25016> (In Persian)
- Offe, C., & Fuchs, S. (2002). A decline of social capital? The German case. *Democracies in flux*, 189-244.
- Pourtaheri, M., Ruknuddin Eftekhari, A., & Rahmati, M. (2011). The role of legal knowledge in the social well-being of villagers (case study: Miankoh West village - Poldakhtar city - Lorestan province). *Geographical Studies of Dry Areas*, 16(42), 45-63. (In Persian)
- Safarishali, R., & Mehdizadeh Ardakani, M. (2017). Investigating the degree of feeling of social welfare and the factors affecting it (study among the citizens of Ardakan city). *Welfare and Social Development Program Quarterly*, 8(30), 177-224. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8013> (In Persian)
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
- Shirvani Naghani, M., Idrisi, A., & Mushiristakhare, Z. (2021). Sociological study of the relationship between social capital and oral well-being (case study: citizens aged 18 and over living in Tehran). *Scientific Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development*, 12(49), 145-184.
<https://www.doi.org/10.22054/qjsd.2021.62621.2220> (In Persian)
- Shirvanian, A., & Najafi, B. (2010). Investigating the role of social capital on the welfare and reduction of rural poverty (case study: the scope of Drozen irrigation and drainage network). *Journal of Agricultural Economics*, 5(3), 25-53. (In Persian)

- Swamy, A., Grootaert, Ch., & Oh, G. T. (.1999). *Public Disclosure Authorized Public Disclosure, and Service Delivery in Burkinafaso, Authorized local instituions.*
- Toulabinejad, M., Ghanbari, S., & Shayan, M. (2017). Investigating social capital for the well-being of rural households (case study: East Miankoh Dehistan). *Scientific Research Journal of Geography and Planning*, 22(66), 163-185. (In Persian)
- Waghari, E., Sarukhani, B., & Kaldi, A. R. (2021). Sociological explanation of the social changes achieved in the social capital of the headquarters staff of the Social Security Organization and their mental well-being. *Socio-Cultural Changes*, 3(18), 417-434. <https://doi.org/10.30495/jscc.2021.690273> (In Persian)
- Wahyuni, H. (2018). The Effect of Social Capital on Welfare in Indonesia. *Journal of Indonesian Economy & Business*, 33(1). <https://doi.org/10.22146/jieb.29219>
- Woolcock, M. (2003). Diversity as opportunity and challenge: the role of social capital theory, evidence and policy. In *Policy Research Initiative Conference, Montreal, Quebec.*
- Zahedi Asl, M. (2010). *Basics of social welfare* (2nd Ed.). Tehran: Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad; Shiani, Maleeha and Alipoor, Parvin (2014). The Influence of Participation Norms on Welfare. *Refah*. 14(52), 33-63. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1479-fa.html> (In Persian)
- Zokai, M. S., & Maruti, N. (2018). Investigating the degree of conformity of subjective well-being with objective well-being and the influence of social factors on it (with emphasis on the influence of variables of religiosity, ethnic status, sense of freedom) case study: citizens of Kurdistan and Semnan provinces. *Quarterly Journal of Planning and Welfare and Social Development*, 10 (38), 121-177. <https://www.doi.org/10.22054/qjsd.2019.10345> (In Persian)